



Rural and Agricultural Activities Landscape in the Center of Achaemenid Empire based on Persepolis Administrative Tablets

Leila Makvandi¹

¹- Assistant Professor, Department of Archaeology, University of Kashan, Kashan, Iran.
makvandi.l@kashanu.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
21/11/2024

Accepted:
30/12/2024

Village and agriculture in the Achaemenid Empire has not been a case of research, so some aspects of rural and agricultural economy in this period remain relatively unclear. Classical sources provide scattered but important information about Village and rural settlements in the Achaemenid Empire, but it is not possible to make a comprehensive analysis of structures and mechanisms of agricultural, husbandry, and ranch activities based on them. The archaeological studies do not provide much information about villages. While, tens of thousands documents belonging to the Achaemenid administrative archives provide valuable information about this topic directly and indirectly. The Persepolis Fortification Archive, dating the reign of Darius I (486-522 BC) is an important one. Archive texts are related to the management of production, storage, distribution, and redistribution of agricultural and commodities products in Persia. The present study will examine the status of villages and agricultural activities in the center of Achaemenid Empire in Fars based on the analysis of the Persepolis Fortification archive. The results of this study show that there was a systematic and interconnected organization in the management of agricultural affairs in Fars, which was controlled by the central administration in Persepolis. The approximately 5,000 inscriptions that have been read so far, on the one hand, shed light on the issue of ownership of villages, agricultural lands, and Paradises, which had been previously addressed by Greek historians. On the other hand, they show the complexity of the management cycle and circulation of agricultural products and their by-products.

Keywords: Achaemenids, Persepolis Fortification Archive, Clay tablets, Villages and rural settlements, Agriculture.

Cite this article: Makvandi, Leila, (2024), "Rural Landscape and Agricultural Activities in the Center of the Achaemenid Empire Based on the Administrative Inscriptions of Persepolis", *The History of Village and Rural Settlement in Iran and Islam*, Vol. 2, No.2, P: 97-121.

DOI: 10.30479/hvri.2025.21204.1050



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Leila Makvandi

Address: Assistant Professor, Department of Archaeology,
University of Kashan, Kashan, Iran.

E-mail: makvandi.l@kashanu.ac.ir



فصلنامه

تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام

شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰-۶۰۱۲

سال دوم، دوره جدید، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳



چشم‌انداز روستا و فعالیت‌های کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی با

تکیه بر گل‌نشته‌های اداری تخت جمشید

لیلا مکوندی^۱

^۱ - استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. makvandi.l@kashanu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	درباره روستا و روستانشینی در شاهنشاهی هخامنشی تاکنون پژوهش‌های چندانی انجام نشده، به‌همین دلیل بخشی از جنبه‌های مختلف فعالیت‌های اقتصادی در این دوره مهجور مانده است. منابع تاریخی کلاسیک در این باره نکات پراکنده اما بااهمیت در اختیار ما می‌گذارند. با وجود این، نمی‌توان تحلیل جامعی درباره ساختارها و مکانیسم فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و دامداری بر پایه آن‌ها بنا نهاد. متأسفانه استقرارهای روستایی نیز کمتر هدف کاوش‌های باستان‌شناسی قرار گرفته‌اند. باین‌حال، ده‌ها هزار سند متعلق به بایگانی‌های اداری هخامنشی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اطلاعات بسیار ارزشمندی را در این باره ارائه می‌دهند. یکی از مهم‌ترین بایگانی‌های این دوره، بایگانی باروی تخت جمشید مربوط به دوره پادشاهی داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) در مرکز شاهنشاهی هخامنشی است. بخشی از داده‌های این بایگانی مربوط به مدیریت امور تولید، ذخیره‌سازی، توزیع و بازپخش محصولات کشاورزی و دامی در پارس برای مصارف مختلف است. پژوهش حاضر به بررسی وضعیت روستاها و فعالیت‌های کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گل‌نشته‌های بایگانی باروی تخت جمشید می‌پردازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که سازمان‌دهی منظم و درهم تنیده‌ای در مدیریت امور کشاورزی و باغداری در پارس وجود داشت که توسط اداره مرکزی در تخت جمشید کنترل می‌شد. حدود پنج‌هزار گل‌نشته‌ای که تاکنون خوانده شده‌اند، از یک‌سو، مسئله مالکیت روستاها، اراضی کشاورزی و پردیس‌ها را که پیش‌تر مورخان یونانی نیز بدان پرداخته‌اند، روشن می‌سازند و از سوی دیگر، پیچیدگی چرخه مدیریت و گردش محصولات کشاورزی، باغی و فراورده‌های حاصل از آن‌ها را نشان می‌دهند.
دریافت:	
۱۴۰۳/۰۹/۰۲	
پذیرش:	
۱۴۰۳/۱۰/۰۹	
واژگان کلیدی:	
هخامنشیان، گل‌نشته‌های بایگانی باروی تخت جمشید، گل‌نشته، روستا و روستانشینی، کشاورزی.	

استاد: مکوندی، لیلا، (۱۴۰۳)، «چشم‌انداز روستا و فعالیت‌های کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی با تکیه بر گل‌نشته‌های اداری تخت جمشید»، فصلنامه تاریخ روستا و روستانشینی در ایران و اسلام، سال دوم، شماره دوم، ص: ۹۷-۱۲۱.



DOI : 10.30479/hvri.2025.21204.1050

حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

مقدمه

موضوع روستا و روستانشینی در دوره‌های تاریخی ایران از جمله مباحثی است که کمتر به آن توجه شده است. دلایل این مسئله را می‌توان از یک سو، سکوت منابع مکتوب و از سوی دیگر، کمبود یافته‌های باستان‌شناسی از استقرارهای روستایی و از آن گذشته توجه بیشتر پژوهش‌گران به جریان‌های بزرگ و موضوعات ظاهراً با اهمیت‌تری چون شهرها، معابد، کاخ‌ها و مانند این‌ها دانست. این مسئله درباره شاهنشاهی هخامنشیان نیز کاملاً صادق است. در بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی که در منطقه فارس انجام شده، محوطه‌های متعددی از دوره هخامنشی شناسایی شده‌اند که متأسفانه برخی از این محوطه‌ها طی چند دهه اخیر به دلیل دخل و تصرف انسانی و توسعه شهری از بین رفته‌اند. از مهم‌ترین کاوش‌های انجام‌شده می‌توان به بررسی‌های اشتاین (Stein, 1940)، تیلیا (Tilia, 1978)، سامنر (Sumner, 1986) در حوزه دشت مرو دشت، کاوش‌های پروژه نجات‌بخشی سد سیوند - تنگ بلاغی (Asgari Chaverdi and Callieri, 2009; Ataei and Bouchalat, 2009; Fazeli Nashali, 2009)؛ بررسی‌های منطقه ممسنی (Potts et al, 2006 & McCall, 2009) و بررسی‌های یغمایی در غرب و جنوب غربی فارس (یغمایی و ایمنی، ۱۴۰۲) اشاره کرد. در این مطالعات اگرچه روستاهای هخامنشی چندانی شناسایی نشده‌اند، اما بقایایی از بندها، پل‌ها و بندهای متعدد به دست آمده است (کرمی و طالبیان، ۱۳۹۲؛ اسدی و همکاران، ۱۳۸۸ و شبیری، ۱۳۹۸)؛ از سوی دیگر، بقایای تعداد زیادی از کوشک‌های هخامنشی در سراسر منطقه شناسایی شده که شاید برخی از آن‌ها به املاک بزرگان و درباریان در روستاها تعلق داشته باشند. البته هنوز نقشه جامعی از پراکندگی محوطه‌های هخامنشی فارس ارائه نشده است.

مورخان کلاسیک در نوشته‌های خود درباره اراضی و روستاهای هخامنشی بیشتر متمرکز بر مالکیت، نوع املاک و ارتباط آن‌ها با شاه و درباریان و بزرگان پارسی هستند. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز اطلاعات بسیار ناچیزی از روستانشینی در این دوره به دست آورده‌اند. کتیبه‌های شاهی اطلاعاتی در این زمینه ندارند، اما در این میان اسناد بایگانی‌های اداری که از سراسر قلمرو هخامنشیان از مصر، بابل، بلخ، آسیای صغیر و تخت جمشید به دست آمده‌اند، به صورت غیرمستقیم اطلاعاتی درباره فعالیت‌های مختلف کشاورزی که مرتبط با روستا و روستانشینی در این دوره هستند، در اختیار ما می‌گذارند.

گل‌نبشته‌های بایگانی باروی تخت‌جمشید اطلاعات ارزشمندی را درباره نظام اداری حاکم بر بخش مرکزی قلمروی هخامنشیان در حوزه فارس و شرق خوزستان در دوره داریوش اول (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) ارائه می‌دهند. بر مبنای آنچه در هزاران گل‌نبشته این بایگانی ثبت شده، می‌توان دریافت که سازمان اداری در تخت جمشید دارای نظام سلسله‌مراتبی پیچیده و درهم‌تنیده‌ای بوده است که در رأس آن، شاه و رئیس نظام اداری تا رده‌های مختلفی از کارمندان و در پایین‌ترین سطح، کارگران رده‌پایین ایفای نقش می‌کردند. متن گل‌نبشته‌ها مربوط به مدیریت تولید، پخش و بازپخش مواد خوراکی خام مانند: انواع غلات، شراب و آبجو، گوشت و میوه‌ها و امور مرتبط با استفاده از این محصولات برای مواردی مانند: سفره شاه و درباریان، پرداخت حقوق کارگران و کارکنان، پرداخت جیره‌های خوراکی برای انجام مراسم مذهبی، جیره‌های مسافران و حیوانات است.

مطالعه پیچیدگی‌های ساختار اداری بایگانی باروی تخت جمشید از زمان کشف در ۱۹۳۳ میلادی تاکنون مورد توجه پژوهش‌گران بوده است، اما آنچه که در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد، گردآوری و تحلیل مطالبی است برای پاسخ به این پرسش که این گل‌نبشته‌ها چه منظری از استقرارهای روستایی و کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی ارائه می‌دهند؟ بنابراین، مقاله پیش رو به بررسی مسئله روستا و فعالیت‌های کشاورزی در پارس و ارتباط آن با ساختار اداری مرکز شاهنشاهی هخامنشی در تخت جمشید می‌پردازد. برای دستیابی به این منظور، با مطالعه و تحلیل گل‌نبشته‌های بایگانی بارو به بررسی آن بخش از متون خواهیم پرداخت که در آن‌ها به روستا و املاکی که در تولیدات کشاورزی نقش دارند، اشاره شده است. همچنین چرخه گردش محصولات کشاورزی در بایگانی بررسی خواهد شد تا از این طریق بتوان به شناخت بهتری از وضعیت کشاورزی و مدیریت آن در مرکز شاهنشاهی دست یافت.

این موضوع تا کنون به شکل مستقل بررسی نشده است. پژوهش‌هایی را که تا حدی به این بحث نزدیک شده‌اند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: گروه اول، پژوهش‌هایی هستند که عمدتاً بر محور منابع تاریخی به بررسی روستاها، شهرهای کوچک و املاک شاهی پرداخته‌اند و به اطلاعات بایگانی‌های اداری هخامنشی که از مناطق مختلف این شاهنشاهی به دست آمده‌اند نیز اشاره‌هایی دارند (بریان، ۱۳۸۵ و Tuplin, 1987). گروه دوم، پژوهش‌هایی هستند که به صورت مستقیماً روی گل‌نبشته‌های بایگانی باروی تخت‌جمشید انجام شده‌اند. ریچارد هلوک تحلیل‌های خود را

به صورت یادداشت‌هایی بر خواتش متن‌ها افزوده است (Hallock, 1969; 1978). ووتر هنکلمن در مقالات متعددی که درباره ساختار اداری بایگانی بارو تألیف کرده است، به طور ضمنی به بررسی برخی اصطلاحات، جای نام‌ها و اشخاص مرتبط با روستا یا املاک پرداخته و همچنین مباحثی را درباره چرخه گردش کالاها در بایگانی بارو مطرح می‌کند (Henkelman, 2008; 2010; 2017; 2021; Henkelman and Garrison, 2020). اپرگیس نیز به مسئله گردش کالاها در بایگانی بارو در قالب انبارداری پرداخته است (Aperghis, 1999).

در پژوهش حاضر کوشش شده است که این موارد گردآوری و در کنار هم بررسی و تحلیل شوند. برای این منظور در آغاز به معرفی منابع اصلی یعنی بایگانی بارو تخت جمشید می‌پردازیم و سپس اصطلاحات مرتبط با روستا و املاکی را که در امور کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی نقش دارند، بنا بر این منابع بررسی خواهیم کرد.

۱. روستاهای هخامنشی در متون کلاسیک

مسئله اراضی و حقوق حکومت بر سرزمین‌ها و مردمان تحت سلطه همواره در مطالعات دولت-های شرق باستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. گزنفون در *کوروشنامه* شرح می‌دهد که شاهان هخامنشی صاحب زمین‌ها و املاک وسیعی در سرزمین‌های تحت سیطره خود بودند که بسیاری از این اراضی و حتی روستاها به اعضای خانواده سلطنتی، درباریان، بزرگان پارسی و اشخاص خدمتگزار به شاه تعلق می‌گرفت، اما این اراضی ملک شخصی و دائمی این افراد نبودند، بلکه شاه بخشی از درآمد حاصل از این روستا یا زمین‌ها را به آن‌ها می‌بخشید و در واقع، آن‌ها تیول‌داران این اراضی محسوب می‌شدند (گزنفون، *کوروشنامه*، کتاب ۸، فصل ۶، بندهای ۴ و ۵). اطلاعات موجود در متون کلاسیک درباره اراضی، روستاها و کشاورزی از یک سو، نگاه ایدئولوژیکی به اهمیت کشاورزی و باغداری برای پارسیان و شاهان هخامنشی را بازتاب می‌دهند و از سوی دیگر، چگونگی اهدای اراضی، روستاها، باغات و املاک از سوی شاه به درباریان، فرماندهان نظامی و نخبگان در ساتراپی‌های مختلف خصوصاً آسیای صغیر در ازای خدماتی را که به شاه داشته‌اند، بیان می‌کنند. گزنفون کشاورزی و جنگیدن را از ضروری‌ترین سرگرمی‌های شاه معرفی می‌کند (گزنفون، کتاب ۴، فصل ۴). او در جای دیگری به توصیفی از پردیس‌های شاهی می‌پردازد و از آبادی و درختان متنوع آن‌ها می‌گوید و اینکه کوروش به ساتراپ‌های خود دستور

داد تا پردیس بسازند (گزنفون، کتاب ۷، فصل ۶). پلوتارخ نیز شرحی از زیبایی و سرسبزی پردیس‌های هخامنشی ارائه می‌دهد (پلوتارک، *الکبیادس*، کتاب ۲۴، بند ۷). بر این اساس، پیوند میان شاه بزرگ و کشاورزی که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده ایدئولوژی پادشاهی هخامنشیان بوده است، مشخص می‌شود (بریان، ۱۳۸۰: ۳۵۶-۳۵۹).

چنانکه گفته شد، بخشی از روایت‌های متون کلاسیک مربوط به اهدای اراضی و روستاها توسط شاه به افراد در ازای خدماتشان است. بریان با بررسی و مقایسه این روایت‌ها، آن‌ها را در چهار گروه دسته‌بندی کرده است که عبارتند از:

- اهدای سرزمین یا یک شهر با معافیت از پرداخت مالیات
- اهدای دولت‌شهر به یونانیان در آسیای صغیر
- اهدای اراضی به شاهان مغلوب
- اهدای اراضی کشاورزی و روستاها به خانواده درباریان و بزرگان پارسی (همان، ۱۳۸۵: ۳۱۱-۳۳۸).

از میان این دسته‌بندی، مورد آخر که مربوط به اهدای زمین‌های کشاورزی و روستاها است، به بحث ما مربوط است. بریان اشاره دارد که این روستاها و اراضی احتمالاً اراضی‌ای هستند که شخص به‌واسطه شغلش در اختیار دارد و تا زمانی که شخص مالک آن‌ها در خدمت شاه است، در اختیار وی قرار دارند، اما موروثی نیستند (همان: ۳۲۸). داندامایف نیز اشاره می‌کند که این اراضی و روستاهای اهدایی در اصل ملک شاه باقی می‌مانند و در صورت اراده شاه یا غضب وی از دارنده آن پس گرفته می‌شد (Dandamayev, 1972: 71-78). در واقع، روستاییانی که در این روستاها زندگی می‌کنند، باید مالیات خود را به شاه بپردازند. البته آنان از سوی دیگر وظیفه دارند که در زمان حضور این مالکان یا مباشران آن‌ها در روستا در چند روز از سال هزینه‌های اقامت آن‌ها را تأمین کنند (همان: ۳۳۳). در واقع، در اختیار گرفتن روستاها توسط اشخاص به این معنا نیست که آن‌ها می‌توانند قدرت شخصی را اعمال کنند، بلکه آن‌ها فقط از لطف شاه بهره‌مند می‌شوند (همان: ۳۳۶).

اطلاعات موجود در متون بایگانی اداری ارشامه (Aršāma) درباره مصر و متون اداری بایگانی مورشو (Murašu) درباره بابل و بایگانی باروی تخت جمشید، تحلیل بریان و داندامایف درباره مالکیت اراضی و روستاها را تأیید می‌کنند. گزنفون درباره روستاهای ملکه پریستاتیس (پروشات)

اشاراتی دارد (گزنفون، *آناپاسیس*، کتاب ۱، فصل ۴، بند ۹، کتاب دوم، فصل ۴، بند ۲۷). متون بایگانی مورشو نیز اطلاعات مربوط به اجاره چندین روستا متعلق به ملکه پروشات را که توسط مباشرش مدیریت می‌شد، ثبت کرده‌اند، اما مدرکی وجود ندارد که این روستاها از سوی او به دیگر فرزندان او به ارث رسیده باشند (Stolper, 1974: 87-99)؛ از طرفی، به نظر می‌رسد با مرگ مالک، زمین یا روستا و املاک بازپس گرفته می‌شد یا با موافقت شاه یا ساتراپ به فرزندان وی منتقل می‌شد. شخصی به نام اخ‌حپی (Aḥ-hapi) از ارشامه ساتراپ مصر می‌خواهد که پس از مرگش املاک در اختیار او به پسرش منتقل شود (همان: ۳۳۴؛ Tuplin and Ma, 2020: 72 146).
270. در واقع، این اشخاص تیول‌داران روستاها و باغات بودند. البته اگر روستا یا املاکی برای چندین نسل در اختیار خاندانی بوده، این طبیعی است که خود را مالک آن به‌شمار بیاورند؛ بنابراین، محتمل است که برخی از افراد و خاندان‌ها از این طریق در مواردی زمین‌هایی را برای همیشه تصاحب کرده باشند.

در برخی از متون تاریخی نیز روایت‌هایی درباره ارتباط روستاییان و کشاورزان خرده‌پا با شاه هخامنشی و مسئولیت‌های آن‌ها در قبال حکومت ارائه شده است. کشاورزانی که زمین‌هایشان در اطراف کانال‌های آب و آبراهه‌ها یا سدها و بندها بود، وظیفه داشتند که در ساخت و نگهداری آن‌ها کمک کرده و نیروی کار در اختیار حکومت بگذارند. البته این نیروهای کار جیره‌هایی را دریافت می‌کردند یا کارشان بخشی از تعهدات مالیاتی آن‌ها به‌شمار می‌آمد. روستاییانی نیز که زمین‌هایشان در حاشیه راه شاهی و راه‌های محلی بود، باید در حفظ و نگهداری راه‌ها کمک می‌کردند (دیودور، کتاب ۱۸، فصل ۳۲، بند ۲).

در منابع کلاسیک تاریخی علاوه بر موارد یادشده، اشاره‌های پراکنده‌ای نیز به روستاها از نظر تولید محصولات کشاورزی، جایگاه آنان در همکاری با حکومت و نیروی نظامی هخامنشی و گردآوری مالیات وجود دارد. این اطلاعات نشان می‌دهند که روستاها مقامات محلی خود را داشتند که مأمور مدیریت امور روستا بودند.^۱ در واقع، منابع تاریخی کلاسیک چارچوبی کلی ارائه کرده‌اند که باید برای راستی‌آزمایی این روایت‌ها و شناخت بهتر، آن‌ها را با اسناد بایگانی اداری هخامنشی سنجید.

۱. برای مطالعه بیشتر درباره روستا در منابع تاریخی کلاسیک بنگرید به: بریان، ۱۳۸۵: ۶۲۰، ۷۱۵ و ۷۱۶ و

۲. بایگانی باروی تخت جمشید

مجموعه گل‌نشته‌های باروی تخت جمشید تقریباً در حدود ۱۵ هزار لوح نوشته‌شده به خط عیلامی هخامنشی و ۸۴۰ گل‌نشته به خط آرامی است. ۲۵۰ گل‌نشته عیلامی نیز همراه با نوشته‌های کوتاهی با مرکب به خط آرامی یافت شده است (Henkelman, 2021a: 881). در حدود ۵۰۰۰ لوح نیز بدون نوشته و تنها دارای اثر مهر هستند (Garrison, 2017: 45). همچنین تک‌الواحی به خطوط اکدی، یونانی و فریژی‌ای، فارسی باستان و دو یا سه متن به دموتیک مصری در بایگانی به‌دست آمده‌اند (Hallock, 1969: 2-4; Stolper & Jones, 2008: 29-35). گل‌نشته‌های عیلامی و آرامی در روند اداری مهر شده‌اند. در کنار آن‌ها گل‌نشته‌های مهرشده‌ای که احتمالاً به پوست‌نویسی‌ها متصل بوده‌اند، مجموعه‌ای بی‌همتا از مهرهای هخامنشی را ارائه می‌دهند که تا کنون در حدود ۴۰۰۰ مهر اداری و شخصی روی آن‌ها شناسایی شده است (Henkelman, 2021a: 881).

مطالعه متون بایگانی بارو نشان می‌دهد که این مجموعه مربوط به سال‌های ۴۹۳-۵۰۹ ق. م (سال‌های ۱۳-۲۸ سلطنت داریوش بزرگ) است. بایگانی مربوط به سازمان اداری مرکز شاهنشاهی هخامنشی یک حوزه جغرافیایی مشخص شامل بخش بزرگی از استان فارس کنونی، مسیر راه شاهی و راه‌های محلی در مسیر تخت جمشید تا شوش را دربر می‌گیرد. متون و کاربرد مهرها روی آن‌ها، تنوع طرح مهرها و تعدادشان شاهدی بر سطح بسیار بالای پیچیدگی مؤسسات اداری در دوره هخامنشی است (Henkelman, 2008: 65-66; idem 2010: 26-27). این بایگانی مربوط به تولید، ذخیره و پخش محصولات غذایی محلی، دریافت این مواد به‌صورت جیره خوراکی برای حقوق یا مراسم مذهبی، درباریان و بزرگان، کارمندان، صنعت‌گران، گروه‌های کارگران، مسافران و حیوانات است. داده‌های متون ما را از انواع محصولات تولیدی منطقه خصوصاً محصولات کشاورزی، استفاده از آن‌ها، نگهداری حیوانات و نوع آن‌ها مطلع می‌سازند. همچنین ما را با شیوه‌های سازمان‌دهی، کنترل و مدیریت، مالیات، رشد اقتصادی، راه شاهی و راه‌های محلی، جایگاه زنان، سازمان‌دهی و کنترل نیروهای کاری و کارگران با حرفه‌های مختلف، مراسم مذهبی و آیینی و جنبه‌های دیگر فعالیت‌ها در مرکز اداری تخت جمشید آشنا می‌سازند. در واقع، این الواح کوچک که شاید در نگاه اول بسیار ساده به نظر برسند، ما را از فعالیت‌های اداری در قلب شاهنشاهی

هخامنشی آگاه می‌کنند (Hallock, 1985: 588- 590; Henkelman, 2010: 29) و افق جدیدی را روی تفسیرهای مربوط به بخش مرکزی شاهنشاهی می‌گشایند.

ریچارد هلوک گل‌نشته‌های عیلامی هخامنشی بایگانی بارو را براساس نوع متون به ۳۲ گروه متنی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی تقسیم‌بندی کرد که البته برخی نیز زیرگروه‌هایی دارند. در این میان گل‌نشته‌های گروه A-J مربوط به فعالیت‌های انبارداری و نقل و انتقال کالاهایی مانند انواع غلات و محصولات باغی در حجم بالا است. متون گروه K1-S3 مرتبط با پرداخت حقوق کارمندان و کارگران، پاداش‌ها و جیره‌های سفر برای مسافران و حیوانات در قالب غلات، آرد، گوشت و شراب و آبجو هستند و متون گروه T-W که از نظر ظاهری نیز با متون دیگر گروه‌ها متفاوت هستند، مربوط به نامه‌های اداری (T)، صورت‌حساب‌ها (V) و کارنامه‌ها یا ترازنامه‌های سالانه (W) هستند (Hallock, 1969).^۱

این اسناد نشان می‌دهند که فارس منطقه بسیار غنی با محصولات متنوع کشاورزی بوده است. البته موقعیت بسیاری از نام‌های جغرافیایی موجود در متون شناسایی نشده یا فقط محدوده‌ای تقریبی برای آن‌ها پیشنهاد شده است؛ به همین دلیل به درستی نمی‌توان دامنه دقیق جغرافیایی تحت کنترل بایگانی بارو را مشخص کرد؛ از طرفی دیگر، متون نوشته‌شده روی گل‌نشته‌ها اگرچه الگوی یکسانی دارند، اما در برخی جزئیات متفاوت هستند. بیشتر آن‌ها اطلاعاتی مانند: نوع کالا که عمدتاً محصولات کشاورزی هستند، تاریخ و مکان انتقال کالا، نام کارمند تهیه‌کننده، اداره موردنظر، نام تحویل‌دهنده یا گیرنده کالا را شامل می‌شوند. اغلب می‌توان با مقایسه نام مناطق جغرافیایی محدوده آن‌ها و نوع فعالیت‌هایی که در آن‌ها انجام می‌شود، روستاها، انبارهای ذخیره غلات و مسیر جابه‌جایی کالاها را بازسازی کرد. همچنین با بررسی میزان کالاهای دریافتی توسط اشخاص، می‌توان موقعیت اجتماعی آن شخص را مشخص کرد.

۱. هلوک به گل‌نشته‌ها نشانه PF داد که مخفف Persepolis Fortification است و مجموعه ۲۰۸۷ گل‌نشته‌ای را که در سال ۱۹۶۹ منتشر کرد، با این کد مشخص می‌شوند (Hallock, 1969). وی در سال ۱۹۷۸ مجموعه‌ای از ۳۳ متن دیگر را در DAFI 8 منتشر کرد که به آن‌ها کد اختصاری Pfa داده بود (Hallock, 1978). متونی که پس از این دو مجموعه خوانده شده‌اند، با شناسه PF- NN یا اختصاری‌تر به صورت NN مشخص می‌شوند. حدود ۱۵۰ گل‌نشته نیز در موزه ملی ایران شناسه Fort دارند. مهرهای بایگانی با علامت اختصاری PFS مخفف Persepolis Fortification Seal مشخص می‌شوند. این نشانه‌ها پیش از شماره گل‌نشته و مهر می‌آیند و استاندارد هستند.

هنکلمن اشاره می‌کند که نظام اقتصادی تخت جمشید به سه بخش کلی: سال اداری، نوع کالا و حوزه‌های جغرافیایی تقسیم می‌شود که متون بایگانی بارو طبق این سه معیار دسته‌بندی شده‌اند. سال، معیار بسیار روشنی است. اکثراً کالاها برای دوره‌های یک‌ساله توزیع می‌شدند و بخش زیادی از صورت حساب‌ها صرفاً به یک سال اداری مشخص اشاره می‌کنند. معیار دوم، نوع کالا است که با بخش‌های اداری جداگانه‌ای که برای کالاهای مختلف وجود داشته، مرتبط است و هر کدام وظیفه دریافت، انبار کردن و توزیع محصولات مختلفی مانند غلات، میوه، شراب و آبجو و دیگر کالاها را به عهده داشته‌اند. معیار سوم، حوزه‌های جغرافیایی هستند که به سه بخش مجزا تقسیم می‌شوند. از آنجایی که در هریک از این حوزه‌ها مهرها، جای‌نام‌ها و اسامی اشخاص با یکدیگر تفاوت دارند، می‌توان این حوزه‌ها را از هم تفکیک کرد (Henkelman, 2008: 126). در واقع، هریک از سه ناحیه جغرافیایی تحت مدیریت بایگانی باروی تخت جمشید دارای مهر منطقه‌ای مشخصی هستند که بر مبنای آن‌ها می‌توان کارمندان و جای‌نام‌های جغرافیایی منطقه را تا حدود زیادی از یکدیگر تفکیک کرد. این تقسیم‌بندی هلوک (Hallock, 1978) با خوانش متون بیشتر تغییری نکرده است. این سه ناحیه عبارتند از:

- ۱- ناحیه تخت جمشید که در این ناحیه مهر PFS1 (تصویر ۱) مهر منطقه‌ای بود.
- ۲- ناحیه کَنوپیریش (Kaupirriš) که هلوک آن را منطقه کامفیروز در شمال مرودشت مشخص می‌کند (Hallock, 1978: 131). در این ناحیه دو مهر PFS3 و PFS30 (تصویر ۲) توسط کارمندان فعال در آن منطقه استفاده می‌شد.
- ۳- منطقه فهلیان که PFS4 (تصویر ۳) برای انجام فعالیت‌های مختلف اداری در این منطقه استفاده می‌شد.

هلوک محدوده بایگانی بارو را تقریباً از نیریز در شرق فارس تا بهبهان (استان خوزستان) در غرب فارس در نظر گرفت (Hallock, 1978)، اما برخی پژوهش‌گران مانند هایداماری کخ حوزه بایگانی بارو را فراتر برده و تا شوش و شوشتر گسترش داده است. کخ با بررسی خود از جای‌نام‌ها، مهرها و نام کارمندان، شش حوزه اداری برای بایگانی تعیین کرد که عبارتند از: تخت جمشید و حومه (به‌عنوان مرکز دیوان اداری و مقر بالاترین مقام مدیریت در بایگانی بارو)، شیراز و حومه، منطقه جنوب‌غربی پارس، منطقه جنوب پارس، منطقه شمال پارس، عیلام (بخش خوزستان). البته نظر کخ با نقدهای بسیاری مواجه شده است (Henkelman, 2008: 110-113; Vallat, 2011: 42).

عبدالمجید ارفعی در رساله دکتری خود درباره حوزه جغرافیایی بایگانی بارو از نظر هلوک پیروی کرده است. او تلاش کرده تا اطلاعات گل‌نشته‌ها را با کتب تاریخی و جغرافیایی اسلامی مانند *فارسنامه* ابن بلخی تطبیق داده و موقعیت جغرافیایی برخی از آن‌ها را مشخص کند و با استفاده از تشابهات اسمی و اطلاعات کتب جغرافیایی و تاریخی اسلامی، جای‌نام‌های بایگانی بارو را به اسم شهرها، روستاها و محوطه‌های باستانی نسبت دهد؛ برای مثال، وی دهستان کمین در بخش مرکزی شهرستان پاسارگاد را مطابق با جای‌نام *کمنوش* (Kamenuš) در حوزه تخت‌جمشید می‌داند (Arface, 2008: 60). هنکلمن سه حوزه جغرافیایی بایگانی بارو را دقیق‌تر می‌داند، اما معتقد است مرز غربی بایگانی بارو در رامهرمز یا کمی بالاتر از آن است. او محوطه تل بورمی در نزدیکی رامهرمز را محل جای‌نام مشهور *هونر* (Hunar) *هخامنشی* یا همان *هونور عیلامی* معرفی می‌کند (Henkelman, 2008: 119).

با وجود آنکه نمی‌توان موقعیت جغرافیایی و حتی در مواردی محدوده بسیاری از جای‌نام‌های یادشده در بایگانی بارو را شناسایی کرد، اما متون نشان می‌دهند که در مکان‌های مختلف منطقه تحت کنترل اداره مرکزی تخت جمشید زیرساخت‌هایی مانند زمین‌های کشاورزی، مراکز دامپروری، پردیس‌ها و انبارهای ذخیره غلات پراکنده بوده‌اند که در برخی مناطق بسیار متراکم هستند؛ برای مثال، حوزه فهلیان از لحاظ تولید انواع غلات بسیار غنی است و در متون انبارهای غله با حجم‌های زیاد گزارش شده‌اند، اما حوزه تخت‌جمشید دارای پردیس‌های زیادی است که در آن انواع مختلفی از میوه‌ها ذخیره می‌شده است. ویلیام سامنر تلاش کرد تا برخی محوطه‌های باستان‌شناسی را با جای‌نام‌های یادشده در الواح بایگانی تطبیق دهد. او اشاره می‌کند که هر ناحیه از شهرهای بزرگ و کوچک و روستاهای وابسته به آن‌ها شکل گرفته است (Sumner, 1986:18). البته باید به این نکته اشاره کرد که بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی تاکنون ردی از شهرهای بزرگ یا حتی شهرهای کوچک شناسایی نکرده‌اند.

اگرچه متون بایگانی بارو عمدتاً متون اداری با فرمول‌های مشخصی هستند که نباید از آن‌ها انتظار دستیابی به اطلاعاتی نظیر موقعیت روستاها یا باغات و شیوه زندگی داشت، اما این متون به صورت غیرمستقیم حجم بالای فعالیت‌های کشاورزی و باغداری در حوزه فارس را در قالب متونی که مرتبط با ذخیره‌سازی و پخش کالاهایی نظیر گندم، جو، میوه‌ها و دام‌ها هستند، نشان می‌دهند.

درواقع، فعالیت‌های مربوط به ذخیره‌سازی و انبار کردن غلات و محصولات کشاورزی و باغی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

۳. روستا و املاک زراعی در گل‌نشته‌های بایگانی بارو

همان‌طور که اشاره شد، عمده فعالیت‌های بایگانی بارو مربوط به مدیریت امور اداری مرکز شاهنشاهی هخامنشی در حوزه مواد خوراکی یا همان محصولات کشاورزی و دامی است که برای مصارف مختلفی استفاده می‌شدند. مطالعه متون بایگانی نشان می‌دهد که آن‌ها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اطلاعات بسیار ارزشمندی را درباره روستاها و کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی در پارس ارائه می‌دهند که با کنار هم قرار دادن آن‌ها می‌توان به شناخت بهتری از وضعیت روستانشینی و کشاورزی در این منطقه دست یافت. اطلاعات مستقیمی که الواح ارائه می‌دهند، مربوط به مسئله مالیات روستاها است و مدارک غیرمستقیم در واقع مربوط به میزان و نوع گردش محصولات کشاورزی و باغی در منطقه پارس است که بیان‌گر وضعیت روستانشینی و کشاورزی در مرکز شاهنشاهی است.

۳-۱. مالکیت روستاها

در گل‌نشته‌های بایگانی باروی تخت جمشید به‌صورت واضح برخی جای‌نام‌ها را روستا نامیده‌اند. در عمده متونی که تاکنون این واژه شناسایی شده، صورت عیلامی آن هومَنوش (humanuš) یا اومَنوش (umanuš) آمده است (Hallock, 1969: 698; Henkelman, 2010: 727; Hintz & Koch, 1987: 694)، درحالی‌که در فارسی باستان بنا به نظر زبان‌شناسان واژه kantiya به معنی روستا است و در گل‌نشته‌های بارو در موارد اندکی مانند متن PF1988 به‌صورت kantia آمده است (Tavernier, 2007: 225)، اما هیچ جای‌نامی را به‌عنوان شهر مشخص نکرده‌اند. البته کریستوفر تاپلین پیشنهاد می‌دهد که روستا در اینجا می‌تواند دلالت بر روستا یا احتمالاً شهر کوچک داشته باشد (Tuplin, 1987: 127)، اما هیچ دلیلی برای تأیید نظر وی وجود ندارد؛ بنابراین، دقیقاً مشخص نیست که بسیاری از صدها جای‌نام یادشده در متون بارو شهر یا روستا هستند و فقط درباره برخی از آن‌ها پیشنهاداتی مطرح می‌شود؛ البته نوع فعالیت‌های کشاورزی که در بسیاری از آن‌ها صورت می‌گیرد، خود تأییدی بر روستا بودن آن‌ها است.

علاوه بر روستا، برای برخی جای‌نام‌های اشاره‌شده از اصطلاحاتی مانند: اولهی (ulhi)، ایرمتم (irmatam)، آپیشدمنه (appišdamanna/ hapišdanum) و پرتتش (partetaš) استفاده شده است (167-165: Henkelmam, 2017; 698, 704, 767; Hallock, 1969)، اما هیچ‌یک از این اصطلاحات نیز ماهیت شهری یا روستایی مکان‌ها را مشخص نمی‌کنند. در واقع، سه اصطلاح اولهی، ایرمتم و آپیشدمنه به معنای انواع اراضی و املاک هستند که نوع آن‌ها متفاوت بوده است. پرتتش نیز باغ یا همان پردیس در منابع یونانی است. بر مبنای آنچه که بررسی گل‌نشته‌ها ارائه می‌دهند، می‌توان روستاهای مرکز شاهنشاهی را به سه دسته تقسیم کرد؛ البته احتمال دارد که برخی با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند:

- گروه اول روستاهای مستقل هستند که دهقانان خرده‌پا در آنجا کشاورزی می‌کنند و بخشی از محصول آن‌ها در قالب بزیش (baziš) یا مالیات توسط اداره تخت جمشید دریافت می‌گردید؛ برای مثال، در متن NN657 اشاره شده که از انبار مردم نلی (Nali) مقدار ۲۲۱۴ BAR^۱ غله به تخت جمشید برده شده است.
- گروه دوم روستاهایی متعلق به شاه و درباریان هستند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تندرّی (Tandari) است که در متون PF736 و NN11 اشاره شده که روستا است. تحلیل متون مختلف مرتبط با این روستا نشان می‌دهد که در این روستا انبار بزرگی قرار داشت که غلات، آرد و میوه‌های مختلف و نیز شراب و آبجو در آنجا ذخیره می‌شده است؛ برای مثال، در NN11 مربوط به سال ۲۷ اشاره به انجیر دارد که برای تحویل دادن به شاه به آنجا برده شده است. در NN1812 اشاره به مقدار ۳۰ BAR و در NN1426 به ۶۴ BAR آرد شده که در تندرّی تحویل داده شده‌اند. در متون PF116 و PF124 به‌صراحت گفته شده که غلاتی که به تندرّی برده می‌شوند، برای تهیه غذای شاهی است. نکته در خور تأمل متن NN1982 است که در آن اشاره شده مقدار چشمگیری آرد در حدود ۵۶ BAR که مردم هَزَر (Hazar)، دَمَری (Dameri) و پیَنو (Piyanu) تهیه کرده‌اند که در تندرّی تحویل داده شد. احتمالاً این آرد پیشکش‌های مردمان این مناطق به شاه بوده است.
- روستای مَتَنَن (Matannan) متعلق به ملکه ایرتشتونه (Irtaštuna)، همسر داریوش و دختر کوروش، یکی دیگر از روستاهای متعلق به خانواده شاه است که او این روستا و چند روستا و ملک دیگرش

۱. بار واحد وزن برای مواد جامد و معادل ۱۰ لیتر است (Hallock, 1969: 72).

را با همراهی پسرش ارشامه اداره می‌کرد. در متن PF144 اشاره به پردیس متعلق به ایرتشتونه در همین روستا شده است.

- روستاهایی که احتمالاً در قالب قرار گرفتن در اراضی که آن‌ها را ایرمتم (Irmatam) می‌خوانند، مدیریتشان به کارمندان رده‌بالا تحویل داده شده است. تاکنون ۲۵ کارمند به‌عنوان دارنده ایرمتم در بایگانی شناسایی شده‌اند؛ برای مثال، در متن PF1857 گفته شده که در روستای کَنَسَن (Kansan) در ایرمتم شخصی به نام ایریشتیه (Irišteya) و همین‌طور در روستای مَندَکَش (Mandakaš) در ایرمتم شخصی به نام میردَدَه (Miradadda) غله تهیه شده است.

برخی از جای‌نام‌هایی که در متون بایگانی بارو به‌عنوان روستا معرفی شده‌اند، در برخی متون دیگر به انبارهای غله یا میوه‌ای که در آن‌ها قرار دارد، اشاره می‌شود؛ برای مثال، مورَن (Muran) در متن PF1636 انبار و در متن PF1857 روستا نام برده شده یا هیدلی (Hidali) که در PF200 انبار و در PF2057 روستا خوانده شده است.

۲-۳. چرخه گردش و توزیع محصولات کشاورزی

حجم بالایی از محصولات کشاورزی و باغی و فراورده‌های حاصل از آن‌ها در کنار محصولات دامی در گل‌نشته‌های تخت جمشید در قالب فعالیت‌های مختلف ثبت شده‌اند که پویایی اقتصاد کشاورزی منطقه را به‌خوبی نشان می‌دهند. با وجود اینکه این مدارک به‌طور مستقیم اطلاعاتی درباره چگونگی و مراحل انجام کار در اختیار ما نمی‌گذارند یا به‌دلیل ماهیت اداری‌شان پراکنده و گزارش‌وار به نظر می‌رسند، اما کنار هم گذاشتن اطلاعات آن‌ها در بازسازی مدیریت امور روستایی و کشاورزی مرکز شاهنشاهی بسیار مهم است.

متون مربوط به بحث موردنظر پس از بررسی در قالب دو گروه طبقه‌بندی شده‌اند که عبارتند از: متون مربوط به «کاشت محصولات کشاورزی» و «متون مربوط به ذخیره و تخصیص محصولات» که البته هریک خود برحسب نوع فعالیت به دسته‌های خردتری تقسیم‌بندی می‌شوند.

۳-۳. متون مرتبط با کاشت محصولات کشاورزی و باغداری

این دسته از گل‌نبشته‌ها را می‌توان به دو دسته «کنار گذاشتن غلات برای بذر» و «درختکاری» طبقه‌بندی کرد. عمده متون مربوط به کنار گذاشتن بذر غلات، کنجد هستند و در یک مورد، آن هم در متن PF544، به نظر هلوک مربوط به کنار گذاشتن برنج است. شاید متون سردرگم‌کننده به نظر برسند، ولی اگر آن‌ها را براساس سال، مکان جغرافیایی و منطقه دسته‌بندی کنیم، اطلاعاتی مهمی از آن‌ها به دست می‌آید؛ برای مثال، اگر همه غلاتی را که برای بذر در سال ۲۳ کنار گذاشته شده‌اند، محاسبه کنیم، رقم بسیار چشمگیری در حدود ۱۱۵۰۰ BAR به دست می‌آید. با توجه به اینکه هر BAR معادل ۱۰ لیتر است، پس یک ضرب ساده نشان می‌دهد که چه مقدار زیادی غله در یک سال کشت می‌شده است؛ البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که این‌ها فقط بخشی از اسناد هستند، نه همه آن‌ها^۱.

درباره مکان نیز برای مثال، غلاتی که در شورکوتور (Šurkutor) برای بذر ذخیره شده، در مواردی برای یک سال بسیار زیاد است. در NN1599 مقدار ۱۲۶۹ BAR غله در سال ۲۲ در این مکان ذخیره شده است.

در برخی متون دقیقاً بیان شده که این بذر به چه مقداری و برای چه مکان‌هایی که احتمالاً همان روستاها هستند، کنار گذاشته شده است. در NN2166 گفته شده که مقدار ۳۰۰ BAR غله برای پیروکش (Pirukaš)، ۱۵۵ BAR غله برای توکرش (Tukraš)، و ۱۶۵ BAR غله برای پندموش (Pandamuš) که در مجموع ۶۲۰ BAR می‌شود، در پرمیزن (Parmizzan) کنار گذاشته شده است. کنجد نیز یکی از دانه‌های روغنی است که به‌عنوان بذر کنار گذاشته شده است. در PF460 به کنار گذاشتن حدود ۲۰ BAR و در PF 477 به دود یک‌چهارم آن اشاره شده است.

در متن حسابرسی Pfa33 و Fort 119-101 به نهال‌های میوه‌هایی مانند سیب، گلابی، به، خرما و توت و درختان میوه دیگر برای کشت در چند پرتش اشاره شده است؛ برای مثال، در Pfa33 تعداد نهال سیب ۱۲۹۸ و در متن Fort 119-101 تعداد آن‌ها ۱۷۵۰ اصله بیان شده است یا به تعداد ۳۴۴۹ اصله نهال احتمالاً هلو در Pfa33 و ۴۴۱ نهال گلابی در Fort 119-101 اشاره کرده‌اند. علاوه بر کاشت درختان میوه و نگهداری از آن‌ها در این پردیس‌ها، اشاره‌های بسیاری به انبارهای ذخیره‌سازی میوه‌ها و در مواردی حتی غلات نیز شده است. برخی از میوه‌هایی که در گل‌نبشته‌های

^۱ برخی متون سال ۲۳ درباره کنار گذاشتن بذر عبارتند از: PF 446, PF 451, PF 468, PF 70, PF 478, PF 484, PF 487, PF 494, PF 502, PF 512, PF 513, PF 543, NN 122, NN 303, NN 567, NN 594, NN 694, NN 707, NN 1493, NN 2177, NN 2428

بایگانی بارو به آن‌ها اشاره شده، عبارتند از: انجیر، گلابی، سیب، به، هلو، انار، توت، انگور، خرما. البته برخی از نام‌های یادشده نیز هنوز شناسایی نشده‌اند (Henkelman, 2021b: 133- 168). مطالعات گیاه‌شناسی و گرده‌شناسی منطقه فارس در هزاره اول قبل از میلاد نشان می‌دهند که گونه‌های درختان میوه بومی در این منطقه عبارت بودند از: سیب، به، گلابی هلو، توت، بادام وحشی، انار و خرما (Djamali et al., 2021: 121- 132).

۳-۴. متون مرتبط با ذخیره و تخصیص محصولات

مسئله گردش محصولات کشاورزی و فعالیت‌های مرتبط با آن‌ها طیف وسیعی از گل‌نشته‌ها را دربر می‌گیرد. فعالیت‌های انجام‌شده را می‌توان در چندین گروه طبقه‌بندی کرد که عبارتند از:

- انبار کردن انواع غلات و میوه‌ها
- کنار گذاشتن غلات برای علوفه
- کنار گذاشتن غلات و میوه‌ها برای تراز حساب سالانه
- کنار گذاشتن غلات و میوه‌ها و ارسال آن‌ها برای سفره شاه و درباریان
- کنار گذاشتن غلات و میوه‌ها برای آذوقه و پرداخت حقوق کارمندان و کارگران
- ارسال غلات و محصولات کشاورزی برای تولید فراورده‌هایی مانند آرد، نان، آبجو، و شراب

انبار کردن انواع غلات و میوه‌ها: بخش عمده‌ای از گل‌نشته‌های بایگانی بارو مربوط به ذخیره-سازی انواع غلات و میوه‌ها در انبارهایی است که با اسامی مختلفی از آن‌ها نام برده‌اند. این انبارها در یک روستا، پردیس یا شهر قرار دارند و برخی نیز به نظر می‌رسد که در نزدیکی شهرها یا روستاها و در مسیر راه‌ها ساخته شده باشند. در هر حال وجود انبارهای متعدد و میزان بالای ذخیره‌سازی غلات در آن‌ها نشان‌دهنده حجم بالای کشاورزی در مرکز شاهنشاهی هخامنشی است. در متون بایگانی باروی تخت جمشید لغت کنتی (Kanti) برای اشاره به انبار به کار رفته است. هلوک لغاتی مانند آمپَرَش (Amparaš) و بلوم (balum) را نیز مترادف کنتی معرفی می‌کند (Hallock, 1969: 666). در تعدادی از متون به انبارهایی اشاره شده است که کنتی سونکینه (kanti sunkina) و هوثوت سونکینه (huthut sunkina) یعنی «انبار شاهی» هستند. کالاهای گوناگونی برای اهداف مختلف در انبارها ذخیره می‌شد که برخی از آن‌ها عبارتند از: انواع غله (گندم، جو و ترمو)،

آرد، کنجد، انواع میوه و آبجو. این کالاها برای اهداف مختلفی اعم از پرداخت حقوق کارمندان و کارگران، بذر، مصارف شاه، درباریان و احتمالاً نظامی، پرداخت برای مراسم مذهبی و جیره‌های مسافران در انبارها ذخیره می‌شدند. در هر سه حوزه جغرافیایی بایگانی بارو در برخی از انبارها مقدار کالاهای ذخیره‌شده بسیار بالا است. غله همواره بالاترین حجم کالاهای انبارشده را دارد. در PF235 مقدار BAR ۲۱۷۱۲ غله، در PF 585 مقدار BAR ۱۲۷۰۰، در PF 601 مقدار BAR ۱۲۱۴۰، و در NN44 مقدار BAR ۱۱۳۶۴ غله در انبارهای مختلف ذخیره شده است.

تخصیص غلات برای علوفه: در این متون عمدتاً گفته شده که چه مقدار غله برای علوفه، در چه مکانی و چه سالی ذخیره شده است. با توجه به اینکه متون گروه S در بایگانی بارو به پرداخت جیره به حیوانات اشاره دارند یا در متون گروه‌های دیگر نیز علوفه برای اسب‌ها و حیوانات دیگر ثبت شده، احتمالاً این آذوقه‌ها به این منظور ذخیره می‌شدند. در متن PF 542 در حدود BAR ۴۰۰ غله برای علوفه کنار گذاشته شده است.

به نظر می‌رسد که در هر مکان یا منطقه باید سالانه مقدار مشخصی غله برای بذر و علوفه کنار می‌گذاشتند و در مواردی که نیاز سالانه تأمین نمی‌شد، در متون بدان اشاره کرده‌اند. در متن NN2415 مربوط به سال ۲۲ پس از آنکه مقادیر مختلف بذر کنار گذاشته شده برای پنج مکان، در آن ثبت شده که در مجموع BAR ۹۲۷ غله است و در انتهای متن گفته شده که اما برای علوفه بذری تهیه نکرده‌اند.

کنار گذاشتن غلات و میوه‌ها برای تراز حساب سالانه: در متون متعددی مانند: PF 233- PF258، NN1256، NN2109، NN2350 و بیش از ۳۰ متن دیگر در گروه C2 مربوط به تراز حساب و متون گروه‌های V و W متون حسابرسی و ترازنامه‌های سالانه به کنار گذاشتن مقدار زیادی غله برای تراز حساب سالانه اشاره شده است؛ برای مثال، در متن PF235 مقدار ۷۱۲، ۲۱ غله برای تراز حساب سالانه در شورسونکیری (Šurkunsinkiri) در سال ۲۱ کنار گذاشته شده است.

کنار گذاشتن غلات و میوه‌ها و ارسال آن‌ها برای سفره شاه و درباریان: متون گروه J به سفره شاه و درباریان اختصاص دارند و علاوه بر آن‌ها، در متون گروه T که نامه‌ها و دستورهای اداری هستند یا متون انبارداری نیز موارد متعددی از ارسال غلات و میوه‌ها برای خوراک شاه، سفره شاه یا ذخیره‌سازی آن‌ها به این منظور ثبت شده است. درباره روستای تندری به غلات برای تهیه

غدای شاه اشاره شده است. در متن NN325 کرکیش (Karkiš)، از کارمندان بالارتبه، مقدار BAR ۶ انجیر را برای شاه به شوش می‌برد^۱.

تخصیص غلات و میوه‌ها به‌عنوان آذوقه و مواجب کارمندان و کارگران: این گروه از گل-نبشته‌های بایگانی بارو که شاید ۲۰ درصد الواح را دربر می‌گیرند، طیف وسیعی از پرداخت حقوق را پوشش می‌دهند. در متون بارو پرداخت حقوق‌ها به‌صورت جیره مواد خوراکی بوده و رایج‌ترین کالای پرداختی آرد و آبجو است که برای کارمندان رده‌بالا گوشت، شراب و بعضاً میوه‌ها را نیز شامل می‌شود.

در واقع، این میزان از فعالیت‌های مختلف و میزان بالای گردش محصولات کشاورزی (به‌خصوص گندم و جو) اعم از برداشت، ذخیره‌سازی و بازپخش آن‌ها برای مصارف مختلف که در گل‌نبشته‌ها ثبت شده، نمی‌تواند حاصل یک فعالیت محلی باشد و بدون فراهم آوردن زیرساخت‌های مناسب و نیروی کار کافی امکان‌پذیر نبوده است. داندامایف براساس محاسبه‌ای که درباره کارگران فعال در بایگانی بارو انجام داده است، اشاره می‌کند که در فاصله سال‌های ۴۹۴-۵۰۹ قبل از میلاد حدود ۱۵۳۷۶ کارگر در فعالیت‌های مختلف بایگانی بارو که عمدتاً کشاورزی است، در مرکز شاهنشاهی هخامنشی مشغول به کار بوده‌اند (Dandamayev, 1975). این تعداد بالای کارگر مرد و زن که همگی از اداره مرکزی حقوق دریافت می‌کردند، به‌صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده حجم بالای فعالیت‌ها در این منطقه است. البته همین مسئله در مزارع و فعالیت‌های کشاورزی، در اسناد بایگانی‌های اداری بابل و مصر دوره هخامنشی نیز منعکس شده است.

ارسال غلات و محصولات کشاورزی برای تولید فراورده‌های ثانوی: بخشی از غلات یا میوه-هایی را که در انبارها ذخیره یا از روستاها و باغات گردآوری می‌شد، برای تولید محصولاتی مانند نان و آبجو به آسیاب‌ها یا مرکز آبجوسازی ارسال می‌کردند. در برخی متون به مشاغلی چون آسیابان و فقاعی برمی‌خوریم. در متن PF1549 به شخصی با نام یئونپرزَه (Yaunparza) آسیابان (napišdakurra) اشاره شده است. در متن NN1629 آمده که BAR ۱۰۰ غله را آسیابانی به نام

^۱. هنکلمن بحث مفصلی درباره سفره شاهانه مصارف مقادیر بالای غلات و میوه‌ها بر مبنای گل‌نبشته‌ها دارد (بنگرید به: Henkelman, 2011).

پیرتیش (Pirtis) آسیاب کرد. در NN673 نیز BAR ۶۶۹ غله برای آسیابان‌ها ارسال شده است. در NN2059 و NN1680، و NN634 مقادیر بالایی آرد برای تولید نان مصرف شده است.

۳-۵. مشاغل مرتبط با کشاورزی در گل‌نشته‌های بایگانی بارو

در پایان لازم است به برخی عناوین شغلی مربوط به امور کشاورزی در بایگانی بارو اشاره‌ای بشود. یکی از این عناوین شغلی، تومره (tumara) است که هلوک آن را مأمور کنترل غله ترجمه کرده است (Hallock, 1969: 57). به نظر می‌رسد که وظیفه این اشخاص آن بود که در مکان‌های مختلف غلات را پیش از تحویل به انبارها یا مأموران تحویل که عنوان شغلی اولیره (ullira) دارند، بازرسی می‌کردند. در اکثر متون این دو شغل مرتبط با هم هستند و نام مأمور غله و مأمور تحویل با یکدیگر آمده است؛ البته در هیچ متنی نیز این دو شخص یکی نیستند. مأموران غله فقط مسئول غلات، جو، گندم و آرد هستند.

عنوان شغلی همیشیه (hamišiya) در چندین متن مانند PF1982 و PF990 آمده که در واقع مأمور میوه است و مانند مأمور غله، وظیفه کنترل و رسیدگی به امور میوه‌ها را دارد. در برخی متون نیز اشخاصی را دارنده شغل اوکبهمیشیه (ukbahamīšiya) معرفی کرده که هلوک آن را دستیار مأمور میوه ترجمه کرده است (Hallock, 1969: 58).

چندین گروه کاری در گل‌نشته‌ها دارنده شغل نومکش (numkaš) معرفی شده‌اند که به نظر هلوک این کارگران در حوزه آبیاری فعال بوده‌اند. هلوک همچنین نظر گرشویچ را نقل می‌کند که این اصطلاح را از لغت فارسی باستان nāvaka مرکب از nāv+ aka برگرفته که مرتبط با کانال آب است (Hallock, 1969: 53). پس این کارگران مرتبط با کار آبیاری بوده یا از آنجا که موجب بالایی دریافت می‌کنند، احتمالاً به ساخت و لایروبی کانال و سازه‌های آبی مشغول بوده‌اند؛ برای مثال، در متون PF1842 و PF1843 به پرداخت جیره برای ۲۲۴ کارگر آشوری که نومکش هستند، اشاره شده است یا در متن بیلان سالانه PF1946 در چند بخش به تعداد زیادی از کارگران نومکش در رگن (Rakkan) اشاره کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

گل‌نشته‌های بایگانی باروی تخت جمشید با جزئیات چشم‌گیری که ثبت کرده‌اند، دورنمایی از ساختار مدیریت اراضی، روستاها، املاک و پردیس‌ها را که مورخان یونانی مانند گزنفون بدان اشاره‌هایی دارند، ارائه می‌دهند. مطالب ثبت‌شده در گل‌نشته‌های بایگانی بارو به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با امور کشاورزی، باغداری و دامی مرتبط هستند. اطلاعات مستقیم شامل برداشت و ذخیره‌سازی انواع غلات و محصولات کشاورزی و باغی در انبارها و نگهداری انواع گله‌ها اعم از گوسفند، شتر و غیره است و غیرمستقیم مربوط به بازپخش این محصولات و فرآورده‌های حاصل از آن‌ها مانند آرد، گوشت، آبجو و شراب برای مصارف مختلف اعم از پرداخت جیره و مواجب، مراسم مذهبی، سفره‌های شاهانه و جیره‌های مسافران است. در متون بایگانی بارو شمار بسیاری مکان جغرافیایی آمده که در حوزه اداری تخت جمشید بودند و فعالیت‌های مختلفی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، در این مکان‌ها توسط صدها کارمند با رده‌های مختلف اداری و هزاران کارگر متخصص و ساده انجام می‌گرفت.

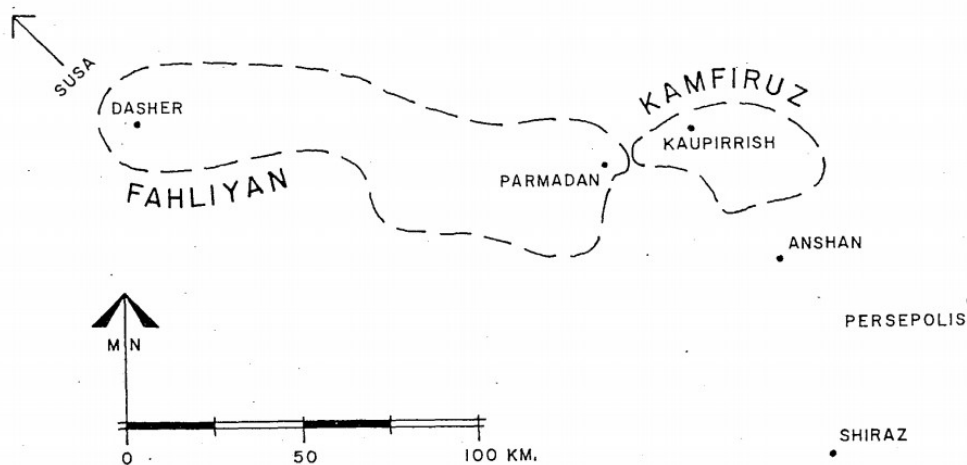
درباره این منابع باید توجه داشت که آن‌ها از سویی متون اداری و گزارشی هستند که اطلاعات در آن‌ها برحسب آنچه برای اداره مرکزی اهمیت داشت، ثبت شده‌اند و از سوی دیگر، فقط بخشی از متون مربوط به دوره داریوش اول و آن هم عمدتاً سال‌های ۲۲ تا ۲۴ در دسترس است که حتی اطلاعات بسیاری از ماه‌ها یا بخش‌ها نیز موجود نیست یا در حالت خوش‌بینانه ممکن است فعلاً خوانده نشده باشند.

این متون نشان می‌دهند که زیرساخت‌های متعددی اعم از انواع انبارهای محلی، منطقه‌ای و شاهی برای ذخیره‌سازی کالاها ساخته شده و فعال بوده‌اند. مطمئناً برای تولید این حجم بالا از محصولات کشاورزی که در متون از آن‌ها یاد شده، زمین‌های زراعی وسیعی زیر کشت انواع غلات بودند و باغاتی با انواع درختان میوه در منطقه وجود داشتند. همین مسئله درباره نگهداری از گله‌های بزرگ رمه نیز صدق می‌کند. اطلاعات ثبت‌شده در گل‌نشته‌ها اشاره مستقیمی به چگونگی کاشت و برداشت محصولات کشاورزی و باغی ندارند، اگرچه که در برخی از متون جابه‌جایی نیروهای کار بین مزارع بزرگ و پردیس‌ها یا پرداخت حقوق به آن‌ها ثبت شده است که مطمئناً این کارگران به فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی و باغداری مشغول بوده‌اند. آنچه که عمدتاً در متون بایگانی ثبت شده، روند ذخیره‌سازی غلات و میوه‌ها در انبارهای مختلف است. مسئله انبار و انبارداری در بایگانی باروی تخت جمشید موضوع دیگری است، اما میزان و حجم بالای کالاهایی که در

این انبارها ذخیره می‌شد، تأییدی بر فعالیت‌های گسترده کشاورزی و باغداری در منطقه است. به مجموعه گل‌نشته‌ها باید اقدامات گسترده هخامنشیان در توسعه زیرساخت‌های آبیاری و مدیریت منابع آبی نظیر ساخت و لایروبی کانال‌های آب، قنات، پل و بند که هم منابع تاریخی و اسناد اداری و هم مدارک باستان‌شناسی به آن‌ها گواهی می‌دهند، اضافه کرد که بیان‌گر اراده هخامنشیان برای پویایی هرچه بیشتر اقتصاد کشاورزی است.

امید است با خوانش متون جدید به شناخت روشن‌تر و دقیق‌تری در این زمینه دست یابیم. متون حاضر مشخص می‌کنند که علاوه بر مالیاتی که روستاهای مستقل مختلف در حوزه‌های جغرافیایی بایگانی بارو پرداخت می‌کردند، ظاهراً اداره تخت جمشید بخشی از محصولات کشاورزان را نیز از آن‌ها خریداری کرده و به انبارها و دیگر مراکز ذخیره تحت نظارت سازمان اداری این بارو تحویل می‌دادند. گل‌نشته‌ها به روستاهایی که جزء املاک شاه و درباریان بودند نیز، اشاره دارند که توسط سازمان اداری تخت جمشید اداره می‌شدند یا به صورت شخصی و در مجموع، با اداره مرکزی مرتبط بودند.

روند گردش کالاها در بایگانی، مقدار بذری که در هر سال برای کشت کنار گذاشته می‌شد و حجم بالای محصولات کشاورزی و میوه‌هایی که در انبارهای مختلف ذخیره می‌شدند، نشان می‌دهند که این حجم از برداشت محصولات نمی‌تواند حاصل یک اقتصاد روستایی معمول و محلی باشد، بلکه باید مدیریت و سازمان‌دهی گسترده‌ای در جنبه‌های مختلف وجود داشته باشد. گل‌نشته‌های بایگانی بارو بخشی از ساختار بوروکراتیک پیچیده مدیریتی مورد بحث را نشان می‌دهند. در پژوهش‌های آینده لازم است اسناد با بایگانی‌های بابلی و مصر دوره هخامنشی نیز تطبیق داده شوند تا بتوان به منظر وسیع‌تر و جامع‌تری از چگونگی عملکرد و مدیریت روستاها و اقتصاد کشاورزی در شاهنشاهی هخامنشی دست یافت.



نقشه (۱) تقسیم‌بندی جغرافیایی بایگانی باروی تخت‌جمشید براساس مهرهای منطقه -

ای (Hallock, 1977: 129, Fig.1)



تصویر (۱) طرح مهر PFS1 مهر اداری منطقه پارسه (تخت‌جمشید) (Garrison & Root, 2001:)

(272)



تصویر (۲) طرح مهر PFS30 مهر اداری منطقه کنوپریش (Garrison & Root, 2001: 409)



تصویر (۳) طرح مهر PFS4 مهر اداری منطقه فهلیان (Garrison & Root, 2001: 411)

منابع

کتاب‌ها

- بریان، پی‌یر (۱۳۸۰)، *امپراطوری هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، تهران: فرزانه روز و قطره.
- ——— (۱۳۸۵). *وحدت سیاسی و تعامل فرهنگی در شاهنشاهی هخامنشی*، ترجمه ناهید فروغان، تهران: اختران.
- یغمایی، اسماعیل و ایمنی، سمیرا (۱۴۰۲)، *منزلگاه‌های هخامنشی: از تخت جمشید تا شوش*، تهران: کارنامک.

مقالات

- اسدی، علی؛ بوشارلا، رمی؛ محمدخانی، کورش؛ و د. اسکات، تینس، (۱۳۸۸). «سدهای هخامنشی شمال فارس». *باستان‌پژوهی*، دوره جدید، ۶: ۵-۱۳۴.
- شبیری، اباذر (۱۳۹۶)، «درآمدی بر آبیاری و کشاورزی در پارس باستان: دشت‌های پارسه-پاسارگاد در دوره هخامنشی». *پاسارگاد ۲ (مجموعه مقالات حفاظت و مرمت، باستان‌شناسی، معماری، زمین‌شناسی، مردم‌شناسی و گردشگری براساس فعالیت‌های پایگاه میراث جهانی پاسارگاد)*. تهیه و تدوین: محمدحسن طالبیان و حمید فدایی، پاسارگاد: پایگاه میراث جهانی پاسارگاد با همکاری کتاب بهار، صص ۷۸-۵۸.
- کرمی، حمیدرضا و طالبیان، محمدحسین (۱۳۹۲)، «مدیریت آب منطقه پاسارگاد در دوره هخامنشی»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس* ۵ و ۶ (۱۰ و ۱۱)، صص ۲۱۶-۲۴۲.

منابع لاتین

- Arfaee, A.M. (2008a). *Persepolis Fortification Tablets, Fort, and Teh. Texts* (Ancient Iranian Studies 5). The Centre for the Great Islamic Encyclopaedia: Tehran.
- ——— (2008b), *the Geographical Background of the Persepolis Tablets.*, Ph.D Dissertation, University of Chicago.
- Asgari Chaverdi, A., and Callieri, P. (2006), 'A Rural Settlement of the Achaemenid Period in Fars', *Journal of Inner Asian Art and Archaeology* 1: 65-70. Atai, M.T., and
- Boucharlat, R. (2009), 'An Achaemenid pavilion and other remains in Tang-i Bulaghi', ARTA 2009.005.
- Dandamayev. M. (1975), 'Forced labour in the Persian Empire', *Altorient. Forschungen* 2, 71-78.
- Djamali, M. (2021), " An Update on the History of Arboriculture in Ancient Iran ', *In Paleopersepolis: Environment, Landscape and Society in Ancient Fars: Silvia Balatti et al (eds.)*, Franz Steiner Verlag, Germany: Pp: 121- 132.
- Fazeli Nashli, H. (2009), 'The Achaemenid/Post Achaemenid remains in Tang-i Bulaghi near Pasargadae: a report on the salvage excavations conducted by five joint teams in 2004-2007', ARTA 2009.001.
- Garrison, M.B. (2017). *The Ritual Landscape at Persepolis: Glyptic Imagery from the Persepolis Fortification and Treasury Archives* (Studies in Ancient Oriental Civilization 72) Chicago: Oriental Institute.
- Garrison, M.B. & Root, M.C. 2001, *Seals on the Persepolis Fortification Tablets*, part 1: *Images of Heroic Encounter*, 2 vols. (OIP 117), Chicago.
- Garrison, M.B., Henkelman, W.F.M. (2020) Sigillophobe suppliers and idiosyncratic scribes: local information handling in Achaemenid Paṛsa. In E.R.M. Dussinberre, M.B. Garrison, W.F.M. Henkelman (eds.), *The Art of Empire in Achaemenid Persia: Studies in Honour of Margaret Cool Root* (Achaemenid History 16). Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten, pp. 167–286.
- Gershevitch, I. (1969). Iranian nouns and names in Elamite garb. *Transactions of the Philological Society*, 68 (1), pp. 165–200.
- Hinz, W. and Koch, H. 1987. *Elamisches Wörterbuch* (AMI Erg. 17), Berlin.
- Hallock, R.T. (1969). *Persepolis Fortification Tablets* (Oriental Institute Publications 92). Chicago: University of Chicago Press.
- Hallock, R.T. (1978). Selected Fortification texts. *Cahiers de la délégation archéologique française en Iran*, 8, pp. 109–136.c
- Hallock, R.T. (1985). The Evidence of the Persepolis tablets. In I. Gershevitch (ed.), *The Cambridge History of Iran, Vol. 2: The Median and Achaemenian Periods*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 588–609.
- Henkelman, W.F.M. (2008). *The Other Gods Who Are. Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts* (Achaemenid History 14). Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten: Leiden.
- ——— (2010), 'Consumed before the King.' The table of Darius, that of Irdabama and Irtaštuna, and that of his satrap, Karkiš. In: B. Jacobs, R. Rollinger (eds.), *Der Achamenidenhof – The Achaemenid Court* (Classica et Orientalia 2). Harrassowitz: Wiesbaden, pp. 667–775.
- ——— (2017). Imperial signature and imperial paradigm: Achaemenid administrative structure and system across and beyond the Iranian plateau. In B. Jacobs, W.F.M. - Henkelman, M.W. Stolper (eds.), *Die Verwaltung im Achamenidenreich – Imperiale Muster und Strukturen/Administration in the Achaemenid Empire – Tracing the Imperial Signature* (Classica et Orientalia 17). Wiesbaden: Harrassowitz, pp. 45–256.

- _____ (2021a), " Local Administration: Persia, in *A Companion to the Achaemenid Persian Empire*, Vol 2, Bruno. Jacobs & Robert. Rollinger (eds.), Blackwel. Pp: 881- 904.
- _____ (2021b), "The fruits of Pārsa", In *Paleopersepolis: Environment, - Landscape and Society in Ancient Fars: Silvia Balatti et al (eds.)*, Franz Steiner Verlag, Germany: Pp: 133- 168.
- Koch, H. (1990). *Verwaltung und Wirtschaft im persischen Kernland zur Zeit der Achämeniden* (Tubinger Atlas des Vorderen Orients Beihefte, B 89). Wiesbaden.
- McCall, B.K. (2009), *The Mamasani Archaeological Survey: Epipalaeolithic to Elamite settlement patterns in the Mamasani district of the Zagros Mountains, Fars Province, Iran* (diss. University of Sydney). Sydney.
- Potts, D.T., Roustaei, K., Weeks, L.R., and Petrie, C.A. (2006), 'The Mamasani District and the Archaeology of Southwestern Iran', in Potts and Roustaei, eds., 1-16.
- Stein, Sir (M.) A. (1940), *Old Routes of Western Irān*. London.
- Stolper, M.W. (1974). *Entrepreneurs and Empire: The Murašū Archive, the Murašū Firm, and Persian Rule in Babylonia* (Publications de l'institut historique-archeologique neerlandais de Stamboul 54). Leiden: Nederlands Instituut voor het Nabije Oosten.
- Stronach, D. (1974), 'Achaemenid Village I at Susa and the Persian Migration to Fars', *Iraq* 36: 239-248.
- Sumner, W.M. (1986), 'Achaemenid Settlement in the Persepolis Plain', *American Journal of Archaeology* 90: 3-31.
- Tavernier, J. (2007a), *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550–330 B.C.): Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, Attested in Non-Iranian Texts* (Orientalia Lovaniensia Analecta 158). Peeters: Leuven.
- Tilia, A.B. (1978), *Studies and Restorations at Persepolis and Other Sites of Fārs*, vol. 2. Rome.
- Tuplin, C. (1987). The Administration of the Achaemenid Empire. In I. Carradice (ed.), *Coinage and Administration in the Athenian and Persian Empires: The Ninth Oxford Symposium on Coinage and Monetary History* (BAR International Series 343). Oxford: B.A.R., pp. 109–166.
- Uchitel, A. (1997). Persian paradise: agricultural texts in the Fortification archive. *Iranica Antiqua*, 32, pp. 137–144.